

دوتا ۱۸۹	عهد عتیق ۱۲
	تثنیه قسمت ۲
S = معلم ۲	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه فرصت خواهید داشت که شناختن کتاب مقدس را یاد بگیرید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در يك دفترچه ، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید . هفته گذشته در مورد نحوه بوجود آمدن تثنیه ، ویژگی آن به عنوان مکاشفه الهی ، تقسیم بندی آن به پنج قسمت اصلی و تعالیم آن در مورد مسیح موعود یاد گرفتیم . امروز در مورد پیغام اصلی کتاب تثنیه یاد خواهیم گرفت .

(S) نکته ۴ . پیغام اصلی کتاب تثنیه .

اول . کتاب تثنیه تعلیم می دهد که اسرائیل در عهد عتیق قوم خدا است .

در سرتاسر تثنیه و همینطور در سرتاسر عهد عتیق تعلیم داده شده که رابطه خاصی بین خداوند و اسرائیل وجود دارد . خداوند " خدای اسرائیل " و اسرائیل " قوم خداوند " است . در تثنیه ۷ : ۶ موسی میگوید ، " چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند خدایان اختصاص یافته اید او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید . " واژه مقدس به این معنی است که اسرائیل به خصوص در شیوه زندگیشان باید از سایر اقوام متفاوت باشد تا زندگی مقدسی برای خدا داشته باشند . به این مفهوم آنها متعلق به خدا هستند این رابطه خاص با خداوند دلیل این است که چرا اسرائیل باید خود را از بت پرستی و شیوه زندگی اخلاقی فاسد اقوام بت پرست کنعان دور کند .

اسرائیل دارای موجودیت ملی - سیاسی یعنی به صورت يك قوم واقعی دیده می شود . این حقیقت از این موارد آشکار می شود :

يك . جماعت . تثنیه ۲۳ : ۱ اسرائیل را به عنوان جماعت خداوند نشان می دهد که غریبه های سایر اقوام می توانند به آنها ملحق شوند . اما امونی ها و موآبی ها به خاطر مخالفت سابق خود با اسرائیل از این جماعت حذف شدند (۲۳ : ۳) .

دو . قوانین . بعضی قوانین خاص بخصوص به اسرائیل ، به عنوان يك موجودیت اقتصادی - ملی ، و به زندگی داخلی آنها مربوط می گردید . برای مثال بعضی از قوانین مربوط به پادشاهان و جنگهایشان با سایر اقوام و بعضی قوانین اجتماعی مربوط به دادخواهی ها و ازدواج .

سه . سرزمین وعده . قوانین نشان می دهند که تاکید بر زندگی موقتی روی زمین در سرزمین موعود کنعان است . برای مثال تثنیه سخن از برکات و لعنتها ، از پاداش ها و مجازاتها ، از زندگی و مرگ و همیشه درزمینه اسرائیل به عنوان يك موجودیت سیاسی - ملی سخن می گویند .

دوم . کتاب تثنیه تعلیم می دهد که رابطه بین خداوند و اسرائیل يك رابطه عهدی است .

در تثنیه ۳۲ : ۶ خداوند می گوید که پدر و خالق اسرائیل است . در تثنیه ۱۴ : ۱ او می گوید که اسرائیلیان فرزندان او هستند که انتخاب و جدا شده اند تا قوم خاص او باشند . ارتباطات آنها از نوع ارتباط خانوادگی بود . تثنیه ۳۳ : ۵ و ۲۶ : ۱۷ - ۱۹ می گوید که خداوند پادشاه اسرائیل است و رابطه رسمی بین خداوند و اسرائیل با واژه های يك عهد شرح داده شده است . در این عهد دو طرف مقابل مساوی نیستند . جنبه قضایی این رابطه ، قوی و مسلط است و دوام این ارتباط بستگی دارد که اسرائیل به شرایط آن عمل کند . پس از يك طرف ارتباط بین اسرائیل و خداوند ارتباطی دوستانه و از طرف دیگر ارتباطی قانونی است .

خروج ۴ : ۲۲ می گوید وقتی اسرائیل که از قبل قوم خدا بوده از مصر حرکت کرده ولی با این وجود خدا عهد رسمی را در کوه سینا می بندد . پس عهد با اسرائیل در کوه سینا تأییدی است مجدد از عهدی که از زمان پدران پیشین آنها یعنی ابراهیم ، اسحق و یعقوب وجود داشته است و همراه با مشخصاتی دقیق تر . در تثنیه ۴ : ۳۱ موسی عهد خدا با پدران پیشین آنها را می داند . اما در تثنیه ۵ : ۳ به نظر می رسد که انگار موسی عهد سینا را عهدی متفاوت به شمار می آورد اما اینطور نیست چون بر طبق تثنیه ۷ : ۸ و ۱۲ موسی می گوید ، " شرط خدا برای حفظ عهدش با پدران اسرائیل این است که آنها شریعت عهد در کوه سینا را نگاه دارند . تثنیه ۸ : ۱۸ نیز می گوید عهدی که خدا با ابراهیم بست با عهد کوه سینا مجدداً تأیید و با جزئیات بیشتری شرح داده می شود . می توانیم بگوییم که عهد با پدران پیشین آنها و عهد کوه سینا دو مرحله از يك عهد یکسان هستند .

سوم . کتاب تثبیه تعلیم می دهد که فیض خدا در اولویت اول و سرنوشت ساز است .

یک . خدا اسرائیل را محبت نمود او را با فیض خود انتخاب کرد . خدای اسرائیل خدایی قومی و محلی نیست بلکه خدای قادر مطلق است که تمام اقوام جهان را آفریده است (۲۶ : ۱۹ و ۴ : ۱۹) و آسمان و زمین و هر چه بر روی آن است متعلق به اوست (۱۰ : ۱۴) . ارتباط بین خدا و اسرائیل بر اساس اقتدار و انتخاب سخاوتمندانه خدا است . در آغاز اسرائیل ناشناخته و بی ارزش بود . اما خداوند اسرائیل را محبت نموده انتخاب کرد . در تثبیه ۱۰ : ۱۵ نوشته شده که خداوند به پدران پیشین آنها رغبت داشته و ایشان را محبت نموده و ذریت آنها را بر سایر اقوام جهان برگزید . خدا با فیض خود پدران پیشین آنها یعنی ابراهیم ، اسحق و یعقوب را محبت نمود . خدا با فیض خود پدران پیشین آنها را برگزید و عهد خود را با آنها بست . خدا با فیض خود به محبت کردن ذریت پدران پیشین آنها وفادار ماند و با ذریت آنها یعنی اسرائیل عهدش را تجدید نمود . بر طبق ۷ : ۷ - ۹ و ۹ : ۵ - ۶ خدا اسرائیل را به این خاطر انتخاب و نجات داد که آنها زیاد تر و یا عادلتر از بقیه اقوام بودند بلکه فقط به این دلیل که با فیضش آنها را محبت نمود .

دو . خدا اسرائیل را از بندگی و گناه از طریق فیض خود نجات داد . در پیدایش ۱۵ : ۱۳ - ۱۶ خدا به ابراهیم گفت که او اسرائیل را از بندگی خواهد داد . در تثبیه ۷ : ۸ - ۹ نوشته شده ، ” بلکه به این دلیل که شما را دوست داشت و می خواست عهد خود را که با پدرانتان بسته بود به جا آورد . به همین دلیل است که او شما را با چنین قدرت و معجزات عجیب و بزرگی از بردگی در مصر رها کند . پس بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند خدایتان است و او همان خدای امینی است که تا هزاران نسل و عده های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی را که او را دوست می دارند و دستوراتش را اطاعت می کنند محبت می نماید . “ خدا قبل از اینکه شریعت را به قوم خود بدهد آنها را نجات داد .

سه . خدا بر اساس فیض خود با برکات زمینی ، اسرائیل را برکت داد . در کتاب تثبیه ، خدا برکات نجات را آشکار می کند . در سرتاسر کتاب تثبیه اسرائیل به مفهوم سیاسی - ملی قوم خدا به شمار می آید . پس برکات نجات بخصوص زمینی و موقتی هستند . وقتی خدا اسرائیل را انتخاب کرد ، آنها فقیر بودند و همه چیز را از دست خدا به دست می آوردند . بر طبق تثبیه ۲۶ : ۵ اسرائیل قبلاً آرامی هایی سرگردانی بودند که تعداد قلیلی از آنها به مصر پناه بردند . در ارتباط با گذشته فیض خدا بود که اسرائیل را از بندگی مصر نجات داد و خدا از طریق فیضش بود که در حین سفر اسرائیل از بیابان از آنها مراقبت کرد . در ارتباط با آینده ، فیض خداست که اقوام بت پرست ساکن کنعان را نابود می کند و سرزمین آنها را به عنوان سرزمین موعود به اسرائیل می بخشد (۷ : ۱) . خدا با فیض خود به اسرائیل فرصت زیادی می دهد تا در سرزمین موعود زندگی کند (۴ : ۴۰) . و با فیض خود اسرائیلیان را به سرزمینی آورد که دارای شهرهای بزرگ و آبادی است که آنها نساختند ، خانه هایی که پرست از چیزهای نیکویی که آنها فراهم نکرده اند ، به چاههایی که حفر نکرده اند ، به تاکستان و باغهای زیتون که آنها نکاشته اند (۶ : ۱۰ - ۱۱) . خدا با فیض خود به اسرائیل توانایی تولید ثروت را می دهد (۸ : ۱۸) . در تثبیه ۸ : ۷ - ۹ موسی می گوید ، ” خداوند ، خدایتان شما را به سرزمین حاصلخیزی می برد سرزمینی که در دره ها و کوه هایش نهر ها و رودها و چشمه ها جاری است . آنچه سرزمین گندم و جو ، انگور و انجیر انار و زیتون و عسل است سرزمینی است که در آن آهن مثل ریگ فراوان است و مس در تپه هایش به وفور یافت می شود سرزمینی است که خوراک در آن فراوان است و شما محتاج به چیزی نخواهید بود . “ خدا با فیض خود تعداد اسرائیل را افزایش داد (۱۳ : ۱۷) . با فیض خود اسرائیل را در کارهایش به فراوانی برکت داد (۱۴ : ۲۹) به طوری که اسرائیل می توانست به بسیاری از اقوام قرض دهد (۲۸ : ۱۲) . با فیض خود اسرائیل را از نظر تمجید شهرت و احترام به سایر اقوام جهان برتری داد (۲۶ : ۱۹ و ۲۸ : ۱۳) .

اما لذت از این برکات زمینی و موقتی عالیترین هدف برای اسرائیل نبود . بر طبق تثبیه فصل ۸ ، هر گاه که اسرائیل می خورد و اقناع می شد ، می بایست خدا را به خاطر زمین نیکویی که به آنها داده بود می پرستید . آنها نباید فراموش می کردند که این خداوند است که تمام این برکات را با فیضش به آنها داده است . عالیترین هدف برای اسرائیل این بود که خداوند را اعتراف کند و جلال بدهد .

چهار . خدا با فیض خودش مکاشفه خاص و وعده های عظیمی به اسرائیل داد . خدا فقط به اسرائیل برکات زمینی و موقتی نداده بود بلکه او به خاطر فیضش مکاشفه عهد عتیق را به اسرائیل سپرد . عهد عتیق نخستین بخش مکاشفه خاص اراده او است . در تثبیه ۴ : ۸ موسی می پرسد ، ” و کدام طایفه بزرگ است که فرایض و احکام عادلانه ای مثل تمام این شریعتی که من امروز پیش شما می گذارم دارند ؟ “ خدا با فیض خود وعده های عظیمی در ارتباط با مسیح موعود یعنی عیسی مسیح به اسرائیل می دهد . در تثبیه ۱۸ : ۱۵ موسی می گوید ، ” او از میان قوم اسرائیل پیامبری مانند من برای شما خواهد فرستاد و شما باید به او گوش دهید و از او اطاعت کنید . “

پنج . خدا با فیض خود اسرائیل را قادر می سازد که اطاعت کند . دریافت و حفظ تمام این برکات موقتی و زمینی هم بستگی به فیض خدا و هم به اطاعت اسرائیل دارند . از یک طرف اسرائیل با فیض قبلاً نجات خدا را دریافت

کرده است: قبلا اسرائیل از بندگی مصر نجات یافته است و از قبل مراقبت و حفاظت الهی را در بیابان تجربه کرده و تائید مجدد عهد خدا با پدران پیشین خود را دریافت کرد. از طرف دیگر اسرائیل در صورتی سرزمین موعود را به میراث می برد که به کلام خدا ایمان بیاورد و از آن اطاعت کند. در تثبیه ۱۱: ۲۲ - ۲۵ خدا می گوید، "اگر با دقت همه دستوراتی را که به شما می دهم اطاعت کرده خداوند خدایان را دوست بدارید و آنچه را که او می خواهد انجام داده از او جدا نشوید آنوقت ... هر جا که قدم بگذارید به شما تعلق خواهد داشت ... و هیچکس یارای مقاومت با شما را نخواهد داشت."

گرچه انجام این وعده ها بستگی به اطاعت اسرائیل دارد اما تحقق آنها در حال وقوع است. و گرچه کل اسرائیل به دلیل بی ایمانی و ناطاعتی به سرزمین موعود وارد نخواهند شد اما این حقیقت تغییر ناپذیر است که اسرائیل به سرزمین موعود وارد خواهد شد. به اسرائیل وعده داده شده که قطعاً سرزمین موعود را به میراث خواهد برد و او قطعاً برکت خواهد یافت و او قطعاً مسیح موعود را خواهد یافت. این واقعیت است که خدا خودش اسرائیل را مطمئن می سازد که اسرائیل ایمان خواهد آورد و اطاعت خواهد کرد.

چهارم. کتاب تثبیه مسئولیت اطاعت کردن انسان را تعلیم می دهد.

یک. اسرائیل باید از ده فرمان اطاعت کند. ویژگی رابطه با خداوند از یک طرف فیض و نجات است و از طرف دیگر اطاعت. اسرائیل باید از ضروریات اخلاقی - مذهبی خدا، مراسم ضروری خدا، و ضروریات اجتماعی - مدنی الهی اطاعت کند. در تثبیه ۴: ۱۳ نوشته شده، "او قوانینی را که شما باید اطاعت کنید یعنی ده فرمان را اطاعت فرمود و آنها را بر دو لوح سنگی نوشت." خداوند به اسرائیل فرمان داد که از عهد اطاعت کند و مرکز این عهد، ده فرمان است.

دو. اطاعت اسرائیل از تمام شریعت عهد عتیق شرط برکت او است. اطاعت از این قوانین شرط ورود به سرزمین موعود، ماندن در سرزمین موعود و یافتن برکات فراوان خداوند در آن سرزمین است. بخصوص در تثبیه ۲۶: ۱۷ - ۱۹ به نظر می رسد که انگار رابطه بین خداوند و اسرائیل شامل پیمانی است که در آن سزاوار بودن و پاداش با یکدیگر مطابقت دارند. اسرائیل اعلام می کند که خداوند خدای اسرائیل است و اینکه از فرامین خداوند اطاعت خواهد کرد و خداوند اعلام کرد که اسرائیل قوم اوست و او اسرائیل را بر تمام اقوام جهان برتری خواهد داد.

سه. ناطاعتی اسرائیل از تمام شریعت عهد عتیق منجر به لعنت خواهد شد. اگر اسرائیل سایر بتها را پیروی کند خداوند آنها را از روی سرزمین موعود نابود می کند (۶: ۱۵). اگر اسرائیلیان با بی ایمانان خارجی ازدواج کنند خدا سریعاً آنها را نابود خواهد کرد (۷: ۴). در تثبیه ۱۱: ۲۶ - ۲۸ می خوانیم، "من امروز به شما حق انتخاب می دهم تا بین برکت و لعنت یکی را انتخاب کنید، اگر فرامین خداوند خدایان را که امروز به شما می دهم اطاعت کنید برکت خواهید یافت و اگر از آنها سرپیچی کرده ... مورد لعنت قرار خواهید گرفت." تثبیه فصلهای ۲۷ - ۲۸ و ۳۰: ۱۵ - ۲۰ مجموعه کاملی هستند از لعنتها و برکات. به نظر می رسد که این عهد همانقدر که عهد لعنت است، عهد برکت می باشد.

چهار. ویژگی های فیض خدا، مسلط بر عهد است. این درست نیست که اسرائیل اول باید اطاعت کند تا بعد خدا فیضش را به او نشان بدهد بلکه بر عکس است: فیض خدا اول است و در زمینه فیض خدا اسرائیل به اطاعت از خدا دعوت می شود. تثبیه ۵: ۶ می گوید که اول خدا با فیض خود اسرائیل را به خروج از بندگی مصر هدایت می کند و بعد دستور می دهد که آنها از ده فرمان اطاعت کنند. تثبیه ۷: ۷ - ۱۱ می گوید که خدا اول به اسرائیل رغبت نشان داد و آنها را انتخاب کرد، محبت نمود و با فیض خود آنها را رها کرد و سپس دستور داد که اسرائیل فرامین، احکام و قوانین او را پیروی کنند. در نور این حقیقت تمام قوانین موجود در عهد عتیق ویژگی کاملاً متفاوتی بدست می آورد. تمام قوانین عهد عتیق برای این هستند که به اسرائیل نشان بدهند که چطور برای تمام فیض خدا شکر گذار باشند. اسرائیل باید برای داشتن زندگی ای که خدا آنها را به آن دعوت کرده است سپاسگذاری خود را به خداوند نشان بدهد.

پنجم. کتاب تثبیه تعلیم می دهد که اصول زیر بنای شریعت عهد عتیق، فیض، ایمان و اطاعت هستند.

عهد عتیق شامل قوانین بسیار است اما قطعاً به اتحادی عمیق تر اشاره می کنند. قوانین بسیار خاص موجود در عهد عتیق اتحادی درونی را شکل می دهند. چگونه؟

یک. ده فرمان اساس و یا پایه تمام قوانین عهد عتیق است. ده فرمان از راهی بسیار خاص به اسرائیل داده شد. در تثبیه ۵: ۲۲ موسی می گوید، "این بود قوانینی که خدا در کوه سینا به شما داد. او این قوانین را با صدای بلند از میان آتش و ابر غلیظ اعلام فرمود و غیر از این قوانین، قانون دیگری نداد آنها را روی دو لوح سنگی

نوشت و به من داد . “ تنها قوانینی که خدا با انگشتان خود نوشت ده فرمان بود . به خاطر اینکه نشان بدهد که اطاعت از ده فرمان اساس اطاعت از تمام قوانین عهد عتیق است .

دو . ضروریات اخلاقی - مذهبی در اصولی مانند محبت ، وفاداری ، فداکاری ، عدالت ، فروتنی و شکر گذاری خلاصه شده اند . تثبیه ۶ : ۵ می گوید ، ” شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید . “ لایوان ۱۹ : ۱۸ می گوید ، ” همسایه خود ... را چون جان خویش دوست بدارید . “ تمام ضروریات اخلاقی - مذهبی ، در این فرمان خداوند را محبت کن و همسایه خود را دوست مدار خلاصه می شود .

سه . واجبات خدا در شریعت ، متضاد است با فیض خدا در عهد . تثبیه ۴ : ۲۵ - ۳۱ و ۳۰ : ۱ - ۶ هشدار می دهد که در آینده اسرائیل به دلیل بت پرستی و بی عدالتی میان قومهای دیگر پراکنده خواهند شد . اما خداوند وعده داده که اگر اسرائیل از گناهایش توبه کند و خدا را با تمام قلب و جان بطلبد خداوند اجازه می دهد که او را بیابد و به سمت او بازگشت کند . و سپس خداوند آنها را به سرزمین موعود باز خواهد گرداند . پس خدا قلوب آنها را ختنه خواهد کرد تا بتوانند او را محبت نموده و در نتیجه زنده بمانند . در تثبیه ، فیض خدا به نظر می رسد که وابسته به توبه اسرائیل و بازگشت به سوی خدا است . اما قبلا در کتاب تثبیه چنین آشکار شده است که خدا رحیم است و رحمت خدا قویتر از لعنت قوانین عهد عتیق است . کتاب تثبیه همچنین تعلیم می دهد که فیض خدا اول و سرنوشت ساز است .

پس نتیجه این است که دو مجموعه عبارت ، در کتاب تثبیه وجود دارد : عبارتهایی در ارتباط با ضروریات خدا در شریعت و عبارتهایی در ارتباط با فیض خدا در عهد . در عبارتهای مربوط به قوانین عهد عتیق خدا ، شکل موقتی حاکم است . در حالیکه در عبارتهای مربوط به عهد خدا ، ماهیت بدون تغییر عهد خدا آشکار می شود . اگر به این دو مجموعه عبارت ، به تنهایی توجه کنیم آنها تناقضی را به وجود خواهند آورد . به نظر می رسد انگار اصل قانونی و اصل ایمان مخالف با یکدیگر هستند . اصل قانونی می گوید ، ” باید فقط از دستورات و قوانین من اطاعت کنید و آنها را به جا آورید ... اگر قوانین مرا اطاعت کنید زنده خواهید ماند . “ (لایوان ۱۸ : ۵) . اصل قانونی می گوید که عادل شمردگی از طریق انجام اعمال شریعت بدست می آید . اصل ایمان میگوید ” ابراهیم به خداوند ایمان آورد و به همین سبب خداوند از او خشنود شده و او را پذیرفت . “ (پیدایش ۱۵ : ۶) . اصل ایمان می گوید ، ” که عدالت با ایمان حاصل می شود . “

اما عهد عتیق بوضوح تعلیم می دهد که شریعت شرط نجات نیست بلکه تولید نجات است . شریعت قبل از نجات داده نشد بلکه بعد از آن . تثبیه ۵ : ۶ با خداوند که اسرائیل را از بندگی گناه نجات می دهد شروع می شود و بعد ده فرمان را به عنوان راهی تعلیم می دهد که قوم نجات یافته خدا باید بر اساس آن زندگی کنند . در این نور ، با اطاعت از قوانین و احکام عهد عتیق این نوع زندگی تجلی می یابد که بر اساس ایمان است ایمانی که در عهد به فیض خدا مستمسک می شود . پس با در نظر گرفتن عبارتهای مربوط به ضروریات شریعت همراه با عبارتهای مربوط به فیض عهد در کتاب تثبیه ، در اصل دقیقاً همان تعلیم عهد جدید را پیدا می کنیم که : نجات خدا با فیض او شروع می شود و وابسته به فیض اوست . خدا با فیض خود قومش را نجات می دهد . با ایمان است که قوم خدا نجات را می پذیرند . با اطاعت است که قوم خدا نشان می دهند که آنها خدا را به خاطر کاری که برایشان کرده محبت می کنند . به علاوه عهد جدید در غلاطیان ۳ بوضوح به ما تعلیم می دهد که هرگز قصد خدا از اصل قانون راه نجات عهد عتیق نبود . خدا همیشه می خواست که اصل ایمان راه نجات باشد .

تکلیف برای هفته آینده

- اول . در طی هفته آینده ، تثبیه فصلهای ۲۶ - ۳۴ را بخوانید . دفعه بعد عهد جدید را معرفی خواهیم کرد .
- دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .
- سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .